

آموزش حتی برای یک نفر

از آنجایی که آموزش دغدغه او برای راه اندازی مؤسسه بوده است، برای پذیرش بچه‌های بازمانده از تحصیل از محدودیتی نمی‌گذارد و اجازه می‌دهد همه جاماندگان از تحصیل در هر سن و در هر پایه‌ای در مرکز او بیاموزند. «ما در این مؤسسه همه بچه‌های جامانده از تحصیل را در هر مقطع تحصیلی‌ای که باشند پذیرش می‌کنیم تا زمانی که مدارک آن‌ها درست شود و وارد مدرسه شوند. از ابتدایی تا هر مقطعی از تحصیل که باشد، به آن‌ها آموزش می‌دهیم حتی اگر برای یک مقطع یک نفر باشد. در نهایت، یک کارنامه که به عنوان مدرک هیچ‌جا پذیرفتنی نیست به بچه‌ها می‌دهیم. این کارنامه ارزش قانونی ندارد. فقط آموزشی که می‌بینند کمک می‌کند اگر شرایطی پیش آمد و به مدرسه دولتی رفتند، تعیین سطح بدهند و در کلاسی مناسب بنشینند. بچه‌هایی که برای تحصیل سراغ ما می‌آیند فقط اتباع افغانستانی نیستند. شاگردان پاکستانی و ایرانی هم داریم. دودانش‌آموز ایرانی داشتیم که شش سال نتوانسته بودند در مدارس دولتی ثبت‌نام کنند. بعد از شش سال مشکل آن‌ها حل شد و توانستند در مدارس دولتی ادامه تحصیل دهند. اگر این مرکز آموزشی نبود، مجبور بودند تا نوجوانی بی‌سواد باشند و از هم‌سن‌وسال‌های خود جا بمانند ولی با آموزش‌هایی که دیدند، توانسته بودند خود را به هم‌سن‌وسال‌هایشان برسانند.

همراهی‌های دوستانه و عام‌المنفعه

او می‌گوید: «همکاری همه نیروها دوستانه است و دروس همه پایه‌های تحصیلی با همراهی هفده نفر از همکاران که بیشتر از اتباع افغانستانی هستند انجام می‌شود. آموزش بچه‌ها برای ما آن قدر مهم است که در هر پایه‌ای باشند آن‌ها را پذیرش می‌کنیم و حتی برای یک نفر کلاس تشکیل می‌دهیم. سعی کرده‌ایم شرایطی فراهم آوریم تا آن‌ها کمتر احساس دور بودن یا جاماندن از تحصیل داشته باشند.»



شهربانو

آشنایی
۷ شهریور ۱۴۰۱
۱۴۴۴
شماره ۲۷۷

تربیت و پرورش در کنار آموزش

اما کنار آموزش در این مؤسسه همان طوری که از نام آن پیدا است، آموزش‌های فرهنگی نیز ارائه می‌شود تا به توانایی‌هایی دست یابند و خلاقیت آن‌ها ظهور کند به گونه‌ای که گره‌گشای مشکلات آینده آن‌ها باشد. «در کنار آموزش کتاب‌ها و درس‌های مدرسه، مهارت‌های مختلفی به بچه‌ها آموزش داده می‌شود: مهارت‌های زندگی، بازی، ارتباط

مؤثر، مقاله‌نویسی، پژوهش محوری و دیگر مهارت‌هایی که مورد نیاز آن‌هاست. یکی از کارهای دیگری که انجام می‌دهیم کتاب‌خوانی است. بچه‌ها از کتابخانه مدرسه کتاب امانت می‌گیرند و آن را می‌خوانند. بعد دور هم جمع می‌شوند و درباره آن کتاب توضیح می‌دهند و بحث و تبادل نظر می‌کنند. حتی بعضی وقت‌ها کتاب‌ها را نقد می‌کنند. تا پیش از اوج گیری کرونا کلاس زبان انگلیسی و کامپیوتر

از کلاس‌های اصلی مؤسسه بود که در کنار مباحث درسی، بچه‌ها آن‌ها را فرامی‌گرفتند. این آموزش‌ها در حدی بود که تا مقطع متوسطه بچه‌ها با فتوشاپ و تدوین کاملاً آشنا می‌شدند و تسلط کامل روی این کارها داشتند. هدف این بود که با این آموزش‌ها بچه‌ها بعد از تحصیل یا حین تحصیل که به درآمد نیاز دارند سراغ کاری بروند که پیشرفتی در آن داشته باشند و رشدی برای آن‌ها داشته باشد، نه اینکه

سراغ کاری بروند که هیچ آینده‌ای ندارد. یک باریکی از بچه‌ها را دیدم که در اتوبوس نشسته بود و کارت زدن مسافران را کنترل می‌کرد و روزانه مبلغی از راننده می‌گرفت. برایم دردآور بود که در سنی که بچه می‌تواند مهارت یاد بگیرد، پای دستگاه بنشیند و نگاهش به دست مردم باشد که کارت بزنند. او تلاش می‌کند استعدادها و توانایی‌های بچه‌ها شکوفا شود و بچه‌ها با هویت خود بیشتر آشنا شوند.»

جوانه زدن در بازار

در کنار کلاس‌های مهارت زندگی و زبان آموزی، بیش از بیست نوع صنایع دستی به بچه‌ها آموزش داده می‌شود، صنایع دستی‌ای که برای آن‌ها بازار فروش خوبی هم وجود دارد. «نقاشی روی شیشه، سفالگری، عروسک‌سازی، سیاه‌قلم، گل‌دوزی، کار روی سفال، خیاطی و خیلی از مهارت‌ها را به بچه‌ها آموزش می‌دهیم. از تولیدات دستی بچه‌ها دو سال بازارچه‌ای با عنوان بازارچه جوانه در مؤسسه راه انداختیم که استقبال خیلی خوبی از آن شد. در صفحه اینستاگرام جوانه بازار هم کارهای بچه‌ها را برای فروش گذاشتیم که فروش خوبی داشت. حتی مشتریانی از اتریش، بلژیک، انگلیس و کانادا داشتیم که خریدها را برای آن‌ها ارسال کردیم. نکته مهم دیگری که در مباحث آموزشی بچه‌ها لحاظ شده است زنگ‌های آموزش قرآن، صحیفه سجاده و نهج البلاغه است. هدف این است که در کنار دیگر آموزش‌ها با مباحث دینی آشنا شوند و منابع مذهبی را بشناسند. کلاس «ش. ب. ب.» را هم که کلاس شناخت بهترین‌ها و بدترین‌ها برای بچه‌های مقطع ابتدایی است در دوره‌های آموزشی داریم. بچه‌ها در این کلاس‌ها با نقاشی و قصه‌گویی، آداب زندگی و سیره اهل بیت (ع) را آموزش می‌بینند.»

ماجرای تولد شیرین گل و جان آقا

این بانوی خلاق بعد از درخشش محصولات دستی بچه‌های مؤسسه تصمیم به ایجاد طرحی نو در تولید محصولات می‌گیرد، طرحی که خاص خودشان و برگرفته از فرهنگ مردم افغانستان باشد. «بعد از اینکه توانستیم بازار فروش خوبی از کارهای بچه‌ها داشته باشیم، تصمیم گرفتیم محصولی تولید کنیم که خاص خودمان باشد و تکرار و تقلید نکرده باشیم، کاری نو که هویت و فرهنگ مردم افغانستان را نشان دهد. برای همین، دست به کار شدیم و با ایده و خلاقیتی که از خودمان بود، اولین عروسک‌های سنتی افغانستان را در مؤسسه تولید کردیم که در نمایشگاه جهان شهر رونمایی شد. این کار را نوروز همین امسال یعنی سال ۱۴۰۱ شروع کردیم و تاکنون استقبال خوبی از آن شده است. این کار محصولی از مشارکت دانش‌آموزان، معلم‌ها و مادران است و اکنون که هنوز آن را گسترش نداده‌ایم و به بازار فروش آن چندان وارد نشده‌ایم، مستقیم و غیرمستقیم هفده نفر با ما همکاری می‌کنند. کار که پخته‌تر شود، کارگاه غنی‌تری راه خواهیم انداخت. اسم این عروسک‌ها شیرین گل و جان آقا است و لباس‌های آن‌ها از پوشش قومیت‌های مختلف افغانستان است. مشارکت مادران یکی از طرح‌های ماست که با عنوان طرح کمک به اقتصاد خانواده آن‌ها را راه انداخته‌ایم. در این طرح، دوره‌های آموزشی برای مادران می‌گذاریم. مثلاً کارگاه‌های یک‌روزه خیاطی داشتیم که در یک جلسه دوخت یک مدل لباس را یاد می‌گرفتند و همان‌جا برای خودشان می‌پزدند و می‌دوختند و می‌رفتند یا دوره طراحی دوخت مزونی را داشتیم. یکی از استادان مطرح به مؤسسه آمد و به خانم‌ها آموزش داد. الان برخی از آن‌ها شخصی‌دوزی و کارهای مزونی می‌کنند.»

خسته اما امیدوار



کار فرهنگی در هر منطقه از شهر بی‌شک سخت است اما نتیجه‌ای که حاصل می‌کند شیرین و جان‌پذیر خواهد بود، شیرینی‌ای که با همه سختی‌ها سجادی را پای کار مؤسسه فرهنگی خود آن هم در منطقه‌ای کم‌برخوردار نگه داشته است. «قطعا خیلی خسته می‌شوم ولی مسیر آموزش ایستا نیست بلکه پویاست. انگیزه و ذوق بچه‌ها نمی‌گذارد مؤسسه را تعطیل کنم. اگر اینجا نباشد، شاید جای دیگری هم برای یادگیری آن‌ها نباشد. شاید همین برای من انگیزه‌ای شده است که به این مسیر هرچند سخت ادامه دهم.»